

شاخص‌های اقتصادی توسعه انسانی از دیدگاه اسلام

تاریخ تأیید: ۱۳۸۸/۱/۳۰

تاریخ دریافت: ۱۳۸۷/۱۰/۱۷

ولی‌الله نقی پورفر*
محمدرضا احمدی*

چکیده

رویکرد توسعه انسانی، جدیدترین و مقبول‌ترین رویکرد در بحث‌های توسعه است. اما شاخص‌های توصیه‌شده در رویکرد رایج توسعه انسانی، برای تحقق جامعه توسعه یافته اسلامی کفایت نمی‌کند و مناسب به نظر نمی‌رسد. این مقاله با طرح این پرسش که شاخص‌های مناسب اقتصادی توسعه انسانی از دیدگاه اسلام کدام است؟ با استفاده از روش «تبیینی - تفسیری» و با مراجعه به مبانی، اصول و اهداف توسعه در اسلام و مفهوم توسعه انسانی مورد نظر اسلام، به تحلیل کنش متقابل اقتصادی در میان کنشگران مسلمان و متدین در شرایط تحقق توسعه انسانی از دیدگاه اسلام پرداخته است و با طراحی نظام‌واره اقتصادی مورد قبول اسلامی، شاخص‌های اقتصادی توسعه انسانی از دیدگاه اسلام را در شاخص‌های کلی ذیل پیشنهاد می‌کند:

کفایت و اطمینان در تأمین نیازهای اساسی، رفاه پایدار، مشارکت فعال اقتصادی، معیشت حلال، عدالت و انصاف، عمران و اصلاح و انفاق.

واژگان کلیدی: توسعه انسانی، اقتصاد، شاخص، اسلام.

طبقه‌بندی JEL: J24.

*. استادیار دانشگاه قم.

** عضو هیئت علمی پژوهشکده تحقیقات اسلامی.

Email: ahmady-sailar@yahoo.com

مقدمه

یکی از جدیدترین رویکردها در توسعه، رویکرد توسعه انسانی (Human Development) است. برای ارزیابی، اندازه گیری و مقایسه درجه توسعه یافتگی کشورهای سه شاخص اساسی از سوی صاحب نظران توسعه در سازمان ملل متحد طراحی شده که از میانگین موزون آنها، «شاخص توسعه انسانی» (Human Development Index) که به اختصار (HDI) نامیده می شود، به دست می آید. این شاخص ها عبارتند از:

ا. شاخص درآمد سرانه: که وضعیت اقتصادی و میزان برخورداری از رفاه مادی را می سنجد؛

ب. شاخص امید به زندگی در بدو تولد: که وضعیت بهداشت و سلامتی را می سنجد؛

ج. شاخص نرخ با سوادگی: که سطح دانش و دانایی را اندازه گیری می کند.

پرسشی که برای هر پژوهشگر مسلمان مطرح می شود این است که آیا با تکیه بر این شاخص ها می توان جامعه توسعه یافته اسلامی را پدید آورد و در چنین جامعه ای، توسعه انسانی - آن چنان که از مبانی اندیشه اسلامی قابل برداشت باشد - تحقق یابد؟.

به نظر می رسد پاسخ این پرسش نمی تواند مثبت باشد. زیرا، به طور قطع مبانی اندیشه اسلامی با آنچه که به صورت رویکرد رایج جهانی مورد توجه و قبول کارشناسان توسعه است، متفاوت است. به ویژه آنکه در بُعد اقتصادی توسعه انسانی، رویکرد حاکم برخاسته از اقتصاد سرمایه داری لیبرال بر بازار آزاد مبتنی است و نحوه تعامل و ترابط نظام اقتصادی مورد قبول اندیشه اسلامی چه در درون خود و چه در بیرون از خود با دیگر نظام های اسلامی مانند: نظام فرهنگی، سیاسی - اجتماعی و ... با نظام های مبتنی بر اندیشه لیبرال تفاوت های جدی دارد.

بنابراین، برای تحقق جامعه مطلوب اسلامی و دستیابی به توسعه درون زاد دینی یکی از پرسش های اساسی که لازم است به آن پاسخ داد؛ این است که شاخص های اقتصادی توسعه انسانی از دیدگاه اسلام و قرآن کدام است؟.

پاسخ به این پرسش بر این پیش فرض مبتنی است که قرآن کریم خود را کتاب هدایت انسان نامیده (بقره ۲)، (۲) و در این راه هم از بیان هیچ نکته و رهنمود ضرور فروگذار نکرده و هر آنچه را که سعادت و کمال حقیقی انسان را تضمین و تأمین می کند، بیان داشته است. (نحل ۱۶)، (۶۹) بنابراین، مفهوم توسعه انسانی که بیانگر شرایط دستیابی

انسان به زندگی بهتر است، قابل برداشت از متن قرآن کریم است و شاخص‌های متناسب با اندیشه اسلامی را برای ابعاد گوناگون توسعه انسانی از جمله بُعد اقتصادی آن می‌توان با تکیه بر معارف قرآن طراحی و ارائه کرد.

بر این اساس، هدف اصلی تحقیق، تبیین شاخص‌های اقتصادی توسعه انسانی از دیدگاه اسلام با تأکید بر قرآن کریم خواهد بود و با توجه به نوع، ماهیت موضوع و هدف اصلی تحقیق، این تحقیق در زمره تحقیق‌های بنیادی در حوزه فرهنگ و اندیشه اسلامی قرار می‌گیرد که با رویکرد تبیینی و تفسیری (InterpreTive Approach) انجام می‌شود.

به این ترتیب، ساخت الگوی تحقیق بر مبنای اصول موضوعه یا پیش‌دانسته‌های مربوط به فهم و تبیین موضوع تحقیق از متن قرآن کریم شروع و با کاوش در متن آیه‌ها و روایت‌های امامان معصومین علیهم‌السلام اطلاعات مورد نیاز گردآوری و با استدلال منطقی یا همان قیاس استنباطی به تجزیه و تحلیل داده‌ها اقدام شده است و با اقتباس از نظریه عمومی کنش، ضمن تحلیل کنش متقابل کنش‌گران مسلمان در نظام اقتصادی برگرفته از اندیشه اسلامی، نظام‌واره مربوط طراحی و برای اجزای اصلی تشکیل‌دهنده این نظام‌واره، شاخص‌های مورد نظر استخراج و تبیین شده است.

رویکرد توسعه انسانی

در فرایند توسعه، دستیابی به زندگی بهتر همواره یکی از هدف‌های اساسی و اصلی بوده است. رویکردهای متعددی در مجامع علمی و در میان صاحب‌نظران توسعه مطرح شده تا بتواند دستیابی به زندگی بهتر را در فرایند توسعه کشورها امکان‌پذیر سازد.

پیش از آنکه مفهوم توسعه انسانی مورد توجه و تأکید قرار گیرد، دو رویکرد دیگر به نام رویکرد رفاه اقتصادی و رویکرد نیازهای اساسی مطرح بوده است.

رویکرد رفاه اقتصادی، مصرف کالاها و خدمات را اساس زندگی بهتر می‌داند و شاخص آن را نیز «درآمد واقعی» معرفی می‌کند. و باور داشت که درآمد واقعی تعیین‌کننده میزان مصرف افراد از کالاها و خدمات است. چنانکه ملاحظه می‌شود، این رویکرد به نیازهای روحی و معنوی و نیز پرورش ظرفیت‌های ذهنی انسان در فرایند توسعه توجهی ندارد.

رویکرد «نیازهای اساسی» نیز زندگی بهتر را در تأمین حداقل نیازهای مادی و غیرمادی

یعنی مجموعه‌ای از حداقل کالا و خدمات معرفی می‌کرد. این رویکرد نیز به گسترش ظرفیت‌های مادی و غیرمادی (ذهنی) انسان در فرایند توسعه بی‌توجه بود. با انتقادهای متعددی که به این رویکردها وارد شد، رویکرد توسعه انسانی به‌صورت رویکرد برتر و رایج در مجامع علمی و بین‌المللی پذیرفته شد و در ایران نیز برنامه‌های گوناگون توسعه پنج‌ساله کشور براساس همین رویکرد و مبتنی بر شاخص‌های آن طراحی و اجرا می‌شود.

در رویکرد توسعه انسانی، بسط انتخاب‌های انسان براساس خواست خود به معنای داشتن زندگی بهتر تلقی می‌شود، هر چند در تبیین و توضیح این رویکرد، عنصرهای ضرور آن را برابری در قالب دسترسی به فرصت‌ها، پایداری در شکل مسئولیت درباره نسل‌های آینده، بهره‌وری در قالب سرمایه‌گذاری در منابع انسانی دانسته‌اند، اما نکته کانونی و محوری این رویکرد همان بسط انتخاب‌های انسان براساس خواست خود است که در شرایط توسعه‌یافتگی اتفاق می‌افتد.

در این رویکرد، شاخص توسعه انسانی، حاصل اندازه‌گیری سه ظرفیت اساسی کسب دانش، دسترسی به امکانات مادی لازم برای یک زندگی بهتر و برخورداری از عمری طولانی همراه با سلامتی است. در این رویکرد، بُعد اقتصادی توسعه انسانی، از راه اندازه‌گیری قدرت خرید واقعی مردم براساس دلار تعدیل‌شده سنجیده می‌شود (نخستین گزارش ملی توسعه انسانی ایران، ۱۳۸۷: ۳۴ - ۵).

این رویکرد که برگرفته از نگاه اقتصاد کلاسیک به ماهیت انسان و رفتارهای وی است، هدف اساسی را در بُعد اقتصادی توسعه انسانی، رشد تولید، کاهش فقر و افزایش رفاه یا همان سطح برخورداری در نظر گرفته است. پیش‌فرض اصلی اقتصاد کلاسیک در تحلیل رفتارهای اقتصادی انسان، انسان را موجودی می‌داند که یگانه محرک وی نفع شخصی است. این انسان، در مقام تولیدکننده و توزیع‌کننده کالا و خدمات، به دنبال کمینه‌کردن هزینه‌ها و بیشینه‌کردن سود و بهره‌وری و در مقام مصرف‌کننده نیز در پی حداکثر کردن مطلوبیت است.

در چنین فضایی، نوع رفتار اقتصادی انسان را بازار قیمت‌ها تعیین می‌کند و چنین انسانی هم به طبع موجودی نفع‌طلب، لذت‌جو و رنج‌گریز است (عیوسی، ۱۳۷۹: ۵۶ و ۵۷).

بر این مبنا، توسعه اقتصادی را تشکیل‌شده از دو مولفه اصلی دانسته‌اند:

۱. افزایش درآمد سرانه؛ ۲. بهبود در توزیع رفاه مادی. (اگراول، ۱۹۹۷).

عصاره و جوهره اصلی آن را اتکای فرایندهای تولید بر علوم و فنون پیشرفته می‌دانند (عظیم، ۱۳۷۸: ۳۴۲). برخی هم که انسان را محور توسعه قلمداد کرده و یا هدف اصلی توسعه را دستیابی انسان به زندگی بهتر دانسته‌اند، توسعه به مفهوم خاص خود را ارتقای مستمر کل جامعه و نظام اجتماعی به سوی زندگی بهتر تعریف کرده‌اند (تودارو، ۱۳۷۷: ۱۳۶).

به هر حال نقش جهان‌بینی و نوع ارزش‌های حاکم بر جامعه را نمی‌توان در فرایند توسعه یا ماهیت آن نادیده گرفت. به گفته آمارتیا سن، توسعه فراگردی است که قابلیت‌ها (capabilities) و استحقاق‌های (intitlments) مردم را به روشی که ارزشمند است بسط می‌دهد. بنابراین، نوع فرهنگ حاکم بر یک جامعه است که ارزشمندی یک روش یا مشروعیت و مقبولیت آن را در بسط قابلیت‌ها و استحقاق‌ها تعیین می‌کند. چنانکه همین اندیشه‌ور به عنوان یک اقتصاددان برجسته معاصر در تبیین انسان‌محور بودن توسعه، با نقل کلامی از پیتر بائر (Peter bauer)، براساس مبانی فکری لیبرالیسم، مفهوم واقعی توسعه را گسترش آزادی واقعی می‌داند و در توضیح آن می‌نویسد:

«هدف عمده برای توسعه اقتصادی، گسترش دامنه انتخاب یعنی افزایش دامنه گزینه‌های مؤثر در دسترس مردم است» (سن، ۱۳۸۱: ۲۲ - ۱۷).

هر چند صاحب‌نظرانی مانند آمارتیا سن توسعه را انسان‌محور، مردم را هم وسیله و هم هدف توسعه و هدف نهایی توسعه را رفاه و به‌روزی انسان قلمداد کرده، نه ارقام تولید ناخالص ملی دانسته‌اند، اما باید دانست که مفهوم به‌روزی انسان یا زندگی بهتر یا همان زندگی دلخواه مورد نظر که در فرایند توسعه انسانی محقق می‌شود، با نگرش اسلام به انسان، به‌روزی و سعادت آن، کمال انسانی یا زندگی بهتر انسان که از آن به «حیات طیبه» تعبیر می‌شود متفاوت است.

به‌طور مثال، از نظر انسان‌شناسی قرآن، انسان دو بُعد مادی و معنوی دارد. به همین نسبت دو گروه صفات متفاوت است که یک گروه معرف بُعد جسمی و حیوانی و گروه دیگر معرف بُعد فراحوانی و معنوی وی است. بنابراین، انسان دو ساحت ملکی و ملکوتی دارد و اینکه سرانجام (در فرایند توسعه) شخصیت و شاکله وجودی وی چگونه شکل گیرد و ماهیت اصلی وی چگونه تعیین شود، بستگی به این دارد که وی در این فرایند کدام دسته از صفات و ویژگی‌های خود را تربیت و بارور کند. صفات مادی و حیوانی را یا صفات معنوی و فراحوانی خود را.

اگر وی گرایش‌های فطری و صفت‌های معنوی خود را بارور و شکوفا سازد، به‌راستی رستگار خواهد شد؛ «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا» (شمس (۹۱)، ۹ - ۱). اما چنانکه در پی تقویت جنبه‌های مادی و حیوانی باشد، و گرایش‌های فطری و ابعاد معنوی را مهجور کند، به‌طور یقین گوهر زندگی و سعادت را از دست خواهد داد «وَقَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا» (شمس (۹۱)، ۱۰).

در حالی که انسان‌محوری موردنظر آمارتیا سن در توسعه، روی افزایش گستره انتخاب افراد تأکید دارد و آن را یکی از شاخص‌های مهم توسعه انسانی و در جهت تأمین آزادی آنان می‌داند و در تبیین آن، بر شرایط بیرونی افراد و برگسترش دامنه انتخاب آنان بی‌توجه است و حساسیتی درباره کیفیت پاسخ‌گویی به مسایل درونی انسان ندارد. یعنی، در این رویکرد مهم نیست که انسان چه انتخابی دارد و چرا آن را انتخاب می‌کند و ملاک و معیار وی برای انتخاب گزینه‌های گوناگونی که فرارویش قرار دارد چیست؟

امام خمینی علیه السلام، در جایگاه برجسته‌ترین اسلام‌شناس در دوره معاصر، هدف توسعه را «توسعه معرفه الله» می‌داند (موسوی خمینی، ۱۳۶۸: ۸، ۸۴) از نظر وی ساخته‌شدن انسان با همه ابعاد مادی و معنوی‌اش تعدیل مادیات به‌گونه‌ای که به الهیات و معنویات بینجامد در فرایند توسعه اتفاق می‌افتد. (همان: ۲، ۲۵۵) به نظر وی، اسلام به حکومت و روابط سیاسی و اقتصادی جامعه اهتمام می‌ورزد. اما این اهتمام برای آن است که همه شرایط به خدمت تربیت انسان مهذب و با فضیلت درآیند (همان: ۱۶۵ - ۷۰). در جای دیگر بیان می‌دارند:

«مجموعه قواعد اسلامی در مسایل اقتصادی، هنگامی که در کل پیکره اسلام به صورت یک مکتب منسجم پیاده شود و همه‌جانبه پیاده شود، بهترین شکل ممکن خواهد بود؛ همه مشکل فقر را از میان می‌برد و هم از فاسدشدن یک عده به وسیله تصاحب ثروت جلوگیری می‌کند و در نتیجه، کل جامعه را از فساد حفظ می‌کند و هم مانع رشد استعدادها و شکوفایی قدرت ابتکار و خلاقیت انسان نمی‌شود» (همان: ۴، ۷ و ۱۷۶).

از نظر امام خمینی علیه السلام، توسعه مورد نظر اسلام، هماهنگ با جهان‌بینی و نظام فلسفی - ارزشی اسلام فقط در بُعد مادی و فردی خلاصه نمی‌شود. بلکه به جنبه‌های اجتماعی و معنوی بشر نیز گسترش می‌یابد و دستیابی به توسعه حقیقی، کامل و فراگیر، هنگامی ممکن و قابل دسترسی خواهد بود که اسلام در جایگاه مکتب جامع و کامل در تمام ساحت‌های فردی و اجتماعی و همه شئون مادی و معنوی جامعه پیاده شود و عینیت یابد. به تعبیر

دقیق‌تر، در فرایند توسعه انسانی مدنظر اسلام، انسان با دستیابی به حیات طیبه تبدیل به «حیّ متألّه» می‌شود (همان: ۱۰، ۱۹۴).

هر چند در باب توسعه انسانی از دیدگاه اسلام، آنچه‌آن که باید و شاید به طور تخصصی کار بایسته و شایسته‌ای صورت نگرفته است. اما در مقوله توسعه به مفهوم عام آن و توسعه اقتصادی از دیدگاه اسلام، کوشش‌هایی صورت گرفته که در اینجا به تعریفی از آقای محمدجمال خلیلیان اشاره می‌شود. نامبرده در پایان‌نامه خود با عنوان شاخص‌های توسعه اقتصادی از دیدگاه اسلام، توسعه اقتصادی را این چنین تعریف کرده است:

«فرآیندی است که به تحول و جهش‌هایی منتهی شود که در آن، با بهره‌گیری از اندیشه‌های جمع‌نگر و عقلانی برآمده از حقایق هستی، فنون و روش‌های علمی پیشرفته از منابع انسانی و مادی جامعه در جهت تأمین رفاه بشر و دستیابی به کمال شایسته مقام انسان، استفاده بهینه صورت گیرد» (خلیلیان، ۱۳۸۴: ۴۵).

این تعریف، ابعاد دیگر توسعه انسانی مانند بُعد زیستی - روانی، بُعد فرهنگی و بُعد سیاسی - اجتماعی را مدنظر قرار نداده و فقط استفاده بهینه از منابع در جهت تأمین رفاه و دستیابی به کمال شایسته مقام انسان را در نظر گرفته است.

با این وجود از جهت‌هایی ابهام دارد، منظور از اندیشه‌های جامع‌نگر و عقلانی برآمده از حقایق هستی چیست؟ ملاک و معیار برای پیشرفته‌بودن فنون و روش‌های علمی کدام است؟ معیار بهینه‌بودن بهره‌برداری از منابع چیست؟ کمال شایسته مقام انسان کدام است؟ رفاه مطلوب برای تأمین در فرایند توسعه چه میزان است؟ افزون بر آن تحول و جهش در چه زمینه‌ای باید صورت گیرد؟

این تحقیق براساس مبانی انسان‌شناختی و دیگر جنبه‌های بنیادی در اندیشه اسلامی، ضمن ارائه تعریفی جامع از مفهوم توسعه و توسعه انسانی متناسب با آن، با اقتباس از نظریه عمومی کنش، با طراحی نظام‌واره کنش متقابل اقتصادی میان کنش‌گران مسلمان در شرایط توسعه‌یافتگی که فرهنگ و آموزه‌های اسلامی در شخصیت فردی کنشگران درونی شده است و در سطح جامعه توسعه‌یافته اسلامی نیز نهادینه شده و الگوهای فرهنگی و رفتاری اسلام در وجدان افراد و در سپهر نهادی و ارزش جامعه حضور دارد، برای اجزای اصلی این نظام‌واره شاخص‌های اصلی کنش اقتصادی مطلوب طراحی و پیشنهاد کرده و برای سنجش و مطالعه هر

یک از این شاخص‌های اصلی نیز به تناسب شاخص‌های فرعی و جزئی‌تر معرفی کرده است. به این ترتیب، این شاخص‌ها در یک هماهنگی و تناسب تنگاتنگ با دیگر ابعاد توسعه انسانی قرار می‌گیرد که با سنجش و اندازه‌گیری آنها در مطالعه‌های برنامه‌ای می‌توان به پیشبرد هماهنگ توسعه متوازن انسانی در جامعه اسلامی امیدوار بود.

رویکرد اسلامی به توسعه انسانی

از نظر اسلام، انسان دو دسته تعارض‌های درونی و بیرونی دارد و برای رسیدن به توسعه به‌ناچار باید این تعارض‌ها را از میان بردارد تا بتواند دست به انتخاب‌های درست و آزادانه برای رسیدن به زندگی بهتر بزند. در این میان، نکته بسیار مهم و اساسی این است که تعارض‌های درونی انسان نسبت به تعارض‌های بیرونی‌اش جنبه زیربنایی دارد و تعارض‌های بیرونی جنبه روبنایی. یعنی تا انسان در درون خود نتواند تعارض‌ها و تضادهای خود را حل کند و به حالت تسویه و اعتدال درونی نرسد، به حل تعارض‌های بیرونی و برقراری اعتدال در بیرون از وجود خود قادر نخواهد شد. چرا که:

«إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ» (رعد (۱۳)، ۱۱).

«خداوند سرنوشت هیچ گروهی را دگرگون نمی‌کند، مگر آنکه آنان در خود دگرگونی پدید آورند.»

با مراجعه به آیه‌های قرآن، می‌توان دریافت که شخصیت انسان تحت تأثیر و تعامل میان دو دسته عوامل شکل می‌گیرد؛ یکی عوامل درونی وجود وی و دیگری عوامل بیرونی که مربوط به محیط و شرایط زندگی‌اش است. در درون وی همواره میان دو گروه از کشش‌ها و گرایش‌ها تضاد و تعارض وجود دارد:

أ. عواملی که به ویژگی‌های بُعد حیوانی وی مربوط می‌شود؛

ب. عواملی که ریشه در ویژگی‌های بُعد فراحوانی وی دارد.

به این ترتیب، رسیدن به حالت تعادل درونی در انسان، بستگی به حل این تعارض‌های درونی دارد. حل این تعارض‌ها هم یعنی: تعدیل غرایز و تأمین نیازهای بُعد حیوانی در حد ضرورت و کفاف. در این صورت، نفس حیوانی در اختیار و خدمت نفس فراحوانی قرار می‌گیرد:

«وَأَمَّا مَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ وَنَهَى النَّفْسَ عَنِ الْهَوَىٰ فَإِنَّ الْجَنَّةَ هِيَ الْمَأْوَىٰ» (نازعات (۷۹)، ۴۰ و ۴۱).

«و اما آن‌کس که از جایگاه پروردگار خویش پروا کند و نفس خود را از هوس باز دارد، جایگاهش در بهشت خواهد بود.»

اما چنانکه در راه زندگی، شهوات و غرایز را تحریک و تشدید کند و نفس حیوانی خود را در تقاضای مواهب مادی دنیا و تأمین بی حساب (بیش از حد ضرورت و کفاف) آنها، آزاد بگذارد و خود را در محدوده حیات حیوانی و زندگی دنیایی صرف محصور کند، سرنوشتی جز «دوزخ» نخواهد داشت:

«فَأَمَّا مَنْ طَغَىٰ وَآثَرَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا فَإِنَّ الْجَحِيمَ هِيَ الْمَأْوَىٰ» (نازعات (۷۹)، ۳۹ - ۳۷).

و اما آن کس که (از فرمان حق) سرپیچی کند و (فقط) زندگانی دنیایی را برگزیند، جایگاهش در دوزخ خواهد بود.

در بیرون از وجود انسان نیز عوامل متعددی وجود دارد که بر شکل گیری شخصیتش اثر می گذارند، عوامل آموزشی و تربیتی، اجتماعی، محیط زیست طبیعی، محیط زیست فرهنگی و سیاسی و به طور کلی عواملی که رابطه های میان وی با دیگر انسان ها و محیط طبیعی را در ابعاد گوناگون تنظیم می کنند، همگی در چگونگی شکل گیری شخصیت وجودی انسان اثر می گذارند و متقابلاً از انسان تأثیر می پذیرند.

به این ترتیب، میان خواست های انسان و انتظارات دیگران و محدودیت های گوناگون محیطی نیز دائماً تضاد و تعارض پدید می آید و برای رسیدن به تعادل میان انسان و محیط، این تضادها و تعارضها باید بر طرف شود. در نگرش اسلامی، این تعارضها جز بر بستر قسط و عدل فراگیر و گسترده اجتماعی ممکن نیست.

«لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ...» (حدید (۵۷)، ۲۵).

«در حقیقت، ما فرستادگان خود را به همراه کتاب و میزان فرستادیم تا مردم به بر پایی عدل و داد پردازند...».

بنابراین، برای آنکه انسان در راه صحیح توسعه و تعالی قرار گیرد، نیازمند آن است که بتواند با حل تعارض های درونی و بیرونی خود، به تعادل دست یابد و با توجه به زیربنایی بودن تعارض های درونی، رسیدن به تعادل درونی از راه تربیت و تزکیه از ضرورت و اولویت اصلی برخوردار است. به همین علت، در تعبیر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز حل این تعارضها، جهاد اکبر نامیده شده است.

در انسان شناسی قرآن، گرایش های فطری و بُعد فراحوانی انسان عامل اصلی و تعیین کننده شخصیت وی است؛ مشروط به اینکه این گرایش های فطری تحت تأثیر و

تقویت دیگر عواملی که بر شمردیم، مستور، مهجور و تضعیف نشوند.
 «... لَكِنَّ اللَّهَ حَبِّبٌ إِلَيْكُمُ الْإِيمَانَ وَزَيَّنَهُ فِي قُلُوبِكُمْ وَكَرَّهَ إِلَيْكُمُ الْكُفْرَ وَالْفُسُوقَ وَالْعِصْيَانَ...»
 (حجرات (۴۹)، (۷)).

این آیه شریفه، نکته بسیار مهمی را بیان می‌دارد؛ اینکه سرشت انسان با ایمان و دعوت عمومی پیامبران و معارفی که دین فطری بیان می‌دارد هماهنگ و همساز و نسب به کژی و بی‌ایمانی ناسازگار و بیگانه است!

بنابراین، اصل اولیه این است که انسان مطابق فطرت توحیدی و الهی خود از پلیدی و بی‌ایمان روگردان شود و به ایمان و فضایل رو آورد. و این در صورتی است که:
 ا. دریافت‌ها و تلقی‌های انسان از خود و هستی هماهنگ با فطرت توحیدی باشد؛
 ب. انسان تسلیم تدلیس‌ها، تلبیس‌ها، کشش‌ها و خواهش‌های نفسانی و شیطانی نشده باشد؛
 ج. حادثه‌ها و رویدادهای محیطی وی را دچار غفلت، فراموشی، تردید و اشتباه (در شناخت حقایق) نکرده باشد.

گونه‌شناسی انسان‌ها در قرآن از دید توسعه‌انسانی

انسان‌ها را از سه منظر می‌توان در قرآن پی گرفت:

- ا. براساس باقی‌بودن بر فطرت توحیدی و پذیرش آیین حق و پرورش بُعد فراحیوانی خود؛ از این دید، انسان‌ها به مؤمن، کافر، مشرک و منافق تقسیم می‌شوند.*
- ب. براساس نوع نگرش به زندگی دنیایی؛ از این منظر، انسان‌ها به سه گروه تقسیم می‌شوند: انسان‌های مادی‌گرا که زندگی را محدود به جهان مادی می‌دانند (مؤمنین (۲۳)، ۳۵؛ کهف (۱۸)، (۱۰۵ - ۱۰۳)؛ انسان‌هایی که از جهت عقیده، خداوند را قبول دارند اما در مقایسه بین موهبت‌های مادی و دنیایی با پاداش اخروی و جنبه‌های معنوی، به جنبه‌های مادی و دنیایی گرایش بیشتری دارند (بقره (۲)، (۲۰۰)؛ کسانی که زندگی دنیایی را مقدمه‌ای برای زندگی ابدی و جاودانه اخروی می‌دانند و برای به دست آوردن بهره و نصیب خویش از هر دو جهان می‌کوشند (بقره (۲)، (۲۰۱)).
- ج. از جهت سرانجام کار و عاقبت زندگی؛ از این دید هم قرآن کریم انسان‌ها را به سه

*. آیه‌های یک تا بیستم سوره بقره بیانگر این تقسیم‌بندی است (ر.ک: احمدی، ۱۳۸۷: ۱۸۷ به بعد).

گروه تقسیم کرده است: مقربان که به عالی‌ترین درجات توسعه و تکامل مطلوب رسیده‌اند، اصحاب یمین که از جمله رستگاران هستند و اصحاب شمال که زندگی مادی موقت دنیا را به زندگی معنوی و حیات جاودانه اخروی ترجیح داده‌اند. اینان در آخرت، در دوزخ جاودانه معذب خواهند بود (واقعه (۵۶)، ۱۱ - ۹).

با توجه به گونه‌شناسی که قرآن کریم از انسان‌ها ارایه می‌کند، توسعه انسانی موردنظر اسلام زمانی اتفاق می‌افتد که انسان ضمن تعدیل غرایز و تأمین نیازهای مادی و معنوی خود، به حل تعارض‌های درونی و بیرونی خود قادر شود و در چنین شرایطی، با دنیاداری و برخورداری از موهبت‌های مادی، بر بستر دنیا، توشه آخرت را نیز فراهم کند و ابعاد حیات معنوی خود را تعالی بخشد.

نیازهای مادی انسان و رابطه آن با توسعه انسانی

قرآن کریم در آیات متعددی ضمن اشاره به مهمترین نیازهای مادی انسان و عنایت ویژه خداوند در تأمین این قبیل نیازها* برای انسان، فلسفه وجودی این موهبت‌های مادی را تعالی انسان و تحقق هدف از خلقت وی معرفی می‌کند:**

«آیا نمی‌بینید که خداوند آنچه در آسمان‌ها و زمین است را برای شما رام کرده و خوان نعمت‌های آشکار و پنهانش را برای شما گسترده (و این در حالی است که) برخی از مردم بدون دانش و آگاهی و بدون اینکه هدایت شده باشند یا به استناد کتابی روشن، درباره خداوند مجادله می‌کنند» (لقمان (۳۱)، ۲۰).

از مضمون آیه‌های گوناگون قرآن نیازهای مادی و جسمی انسان را به این صورت می‌توان فهرست کرد: امنیت، آرامش، آسایش و رفاه، خوراک، پوشاک، نیازهای جنسی و بقای نسل، ارتباطات و حمل‌ونقل، مسکن، ابزارآلات (سخت‌افزار و اثاث زندگی)، دارو، درمان و بهداشت، سلامت و توانایی جسمی (احمدی، ۱۳۸۷: ۱۹۸).

در دعای معروفی که از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت شده،*** درباره اهمیت نیازهای مادی

*. رک: روم (۳۰)، ۲۴ و ۲۳؛ فرقان (۲۵)، ۴۹ و ۴۸؛ بقره (۲)، ۱۵۵.

** رک: ابراهیم (۱۴)، ۳۲ و ۳۳؛ نحل (۱۶)، ۱۴ و ۱۲؛ حج (۲۲)، ۶۵؛ عنکبوت (۲۹)، ۶۱.

*** این دعای شریف با این فراز شروع می‌شود: «اللَّهُمَّ ادْخِلْ عَلَيَّ أَهْلَ الْقُبُورِ السُّرُورَ...».

نکته‌های آموزنده مهمی وجود دارد که به برخی از آنها اشاره می‌شود:

ا. مهمترین نیازهای مادی مانند: سیری گرسنگان، پوشش برهنگان، ادای دین بدهکاران، بازگشت غریبان به وطن، غم‌زدایی از دل غم‌زدگان، آزادی در بند شدگان، بهبودی بیماران، درخواست شده است؛

ب. تأکید شده که این دعا پس از ادای فریضه نماز در ماه مبارک رمضان خوانده شود، ماهی که روزه‌دار در آن شرایط دشوار و گاه طاقت‌فرسا محدودیت بهره‌گیری از موهبت‌های مادی را تمرین می‌کند و به جای اندیشیدن به خود، به نیاز همه نیازمندان می‌اندیشد؛

ج. فرازهای پایانی دعا که مربوط به جامعه مسلمانان است، به گونه‌ای است که می‌توان از مضمون آنها چنین برداشت کرد که برآورده نشدن نیازهایی که درخواست شده زمینه اصلی پیدایش نابسامانی است و با تأمین این نیازها، شرایط برای اصلاح، بهبودی و توسعه مطلوب حاصل می‌شود.

در تأیید این سخن، می‌توان به بیان امام علی علیه السلام درباره عملکرد خود در زمان خلافت (ظاهری) خویش اشاره کرد که درباره تأمین نیازهای اولیه مردم کوفه فرموده است:

«هیچ‌کس در کوفه نیست مگر آنکه از نعمت‌های (ضروری برخوردار است)؛ پایین‌ترین اقشار جامعه نان گندم می‌خورند، در زیر سر پناه زندگی می‌کنند و آب گوارا (سالم و بهداشتی) می‌نوشند (مجلسی، بی‌تا: ۴۰، ۳۲۷).

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نیز بهترین زمینه برای رعایت تقوای الهی را بی‌نیازی مادی دانسته است (حرانی، بی‌تا: ۴۱) و متقابلاً نیازمندی و فقر را زمینه‌ساز سقوط در ورطه هلاکت و خروج از جرگه مؤمنان معرفی کرده است.*

امام علی علیه السلام نعمت‌های الهی را در سه گروه دسته‌بندی و ارزش‌گذاری کرده است: «آگاه باشید که از جمله نعمت‌ها، توسعه در دارایی است و ارزشمندتر از توسعه در دارایی، سلامتی بدن است و ارزشمندتر از سلامتی بدن نیز خویشتن‌داری قلب است» (نهج البلاغه: ح ۳۳۸).

در این بیان حکمت‌آمیز، توسعه مادی، سلامت و تقوای دل سه نعمت بزرگ دانسته شده است که به ترتیب تقوای دل برتر از سلامت و سلامتی برتر از توسعه مادی قلمداد شده است.

*. كَادَ الْفَقْرُ أَنْ يَكُونَ كُفْرًا.

نیازهای معنوی و توسعه انسانی

از نظر اسلام، ساحت ملکوتی و فراحیوانی انسان تعیین کننده ماهیت اصلی وی است بنابراین اساسی ترین نیازهای وی نیز به همین ساحت مربوط خواهد بود. در حقیقت تأمین نیازهای مادی در حد ضرورت و کفایت، برای بسترسازی جهت تأمین نیازهای غیرمادی انسان است. قرآن کریم در آیه‌های متعددی به این بخش از نیازهای انسان اشاره کرده است از جمله در آیه‌های ۸۶ - ۷۸ سوره شعراء از زبان حضرت ابراهیم علیه السلام، پاره‌ای از نیازهای ملکوتی و نعمت‌های معنوی را برشمرده است مانند:

- نیاز به جاودانگی و خلود؛

- نیاز به هدایت و رستگاری؛

- نیاز به جبران لغزش‌ها و در گذشتن از خطا و برطرف ساختن اثرهای آنها؛

- نیاز به برخورداری از حکم (قدرت، حکمت و حکومت)؛

- نیاز به برخورداری از نعمت‌های جاودانه (بهشت)؛

- نیاز به تأیید و الگوگیری دیگران و آیندگان از انسان.

این نیازها مادی نیستند و تمام آنها به نعمت‌های مادی برتری دارند چنانکه در کلام امیرالمؤمنان علی علیه السلام نیز تقوای دل برتر و ارزشمندتر از سلامتی جسمی و توسعه در دارایی قلمداد شده بود.

در آیه ۹۲ سوره آل عمران نیز انفاق در راه خدا را شرط برگشت ناپذیر رسیدن به نیکی و سعادت نامیده است و در آیه‌های دیگری از قرآن کریم به ابعاد دیگری از نیازهای معنوی انسان اشاره شده است. مانند آیه ۱۲۵ سوره انعام که شرح صدر را لازمه رسیدن به آرامش و بهره مندی از دوستی خداوند دانسته و آیه ۷۰ سوره اسراء نیز نیاز به تکریم را باعث زمینه سازی برای شکوفایی استعدادهای ذاتی انسان قلمداد کرده است. با توجه به مضامین آیه‌هایی که به آنها اشاره شد و دیگر آیه‌های قرآن کریم، مهمترین نیازهای معنوی انسان را به صورت ذیل می‌توان فهرست کرد (احمدی، ۱۳۸۷: ۲۰۵ به بعد):

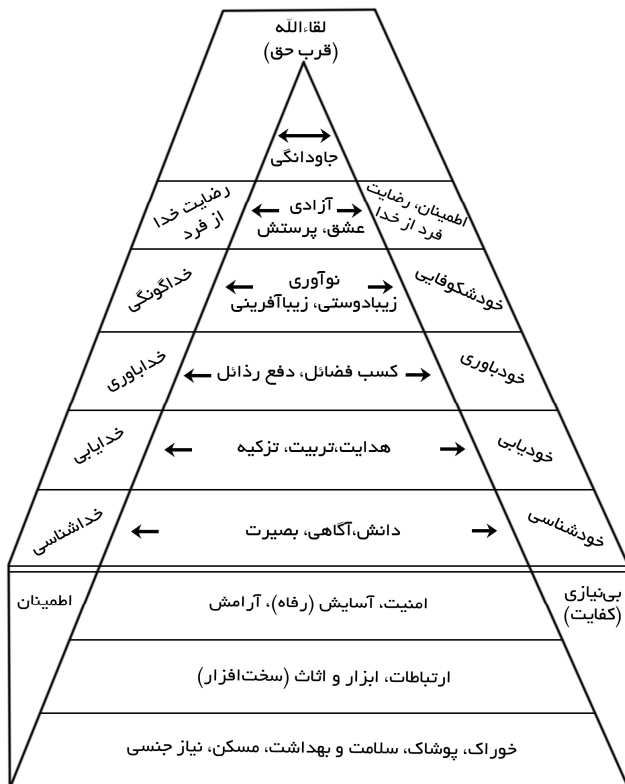
- نیاز به کسب دانش، آگاهی و کشف حقیقت؛

- نیاز به هدایت، تزکیه و تربیت؛

- نیاز به کسب فضایل و دفع رذایل؛

- نیاز به عشق و پرستش؛
- نیاز به زیبادوستی و زیباآفرینی؛
- نیاز به خلود و جاودانگی؛
- نیاز به خودشکوفایی، خلاقیت و نوآوری؛
- نیاز به آزادی.

به این ترتیب، ابعاد و مراتب نیازهای انسان را در دو بُعد حیوانی (مادی) و فراحیوانی (معنوی) می‌توان مورد توجه قرار داد. حاصل تأمین درست نیازهای بُعد حیوانی رسیدن به حالت بی‌نیازی و اطمینان نفس حیوانی است و حاصل تأمین درست و اصولی نیازهای بُعد فراحیوانی (معنوی) انسان نیز رسیدن به حالت رضا و اطمینان کامل نفس است. در این مرحله است که نفس انسان در حالت اطمینان و رضایت به سوی پروردگار خویش باز می‌گردد (فجر (۸۹)، ۲۷ و ۲۸). نمودار شماره (۱)، ابعاد و مراتب نیازهای انسان را در دو بُعد حیوانی و فراحیوانی و نتیجه تأمین درست آنها را نشان می‌دهد.



چنانکه ملاحظه می‌شود خدامحوری، کسب رضایت حق رسیدن به قرب حق، اساس توسعه انسانی در دیدگاه اسلام است در حالی که بزرگترین مشکل توسعه در مفهوم رایج آن در مبانی توسعه است. مبانی که به نوعی «خود بنیاد» است یعنی در این نوع از توسعه، بشر خودش را مبنا و محور هستی دانسته و خدا را از مبدأ، راه و غایت هستی و به تبع آن از فرایند توسعه حذف کرده است و در نتیجه «خدا فراموشی» وی به «خود فراموشی» انجامیده است و از درک حقیقت وجودی خود و توسعه حقیقی و متناسب با شأن و منزلت خود نیز عاجز مانده است:

«سُوا اللّٰهَ فَاَنْسَاهُمْ اَنْفُسَهُمْ» (حشر (۵۹)، ۱۹).

توسعه رایج - به ویژه در اندیشه غربی - بر عقل خود بنیاد یا همان عقل ابزاری است. عقلی که به جای کشف و تبیین حقیقت هستی، ابزاری است در دست انسان‌های مادی‌گرا برای بهینه‌سازی روش‌ها و ابزارها جهت استخدام و بهره‌وری بیشتر طبیعت و فراهم‌ساختن تنوع و تغییر بیشتر در زندگی مادی و دنیایی!.

مفروض‌های سیاسی توسعه انسانی از دیدگاه اسلام

بر اساس مبانی اندیشه اسلامی که در جای خود به تفصیل بیان شده است (احمدی، ۱۳۸۷: فصل دوم)، توسعه مطلوب انسانی، همان «حیات طیبه» است و شرط ورود در حیات طیبه نیز داشتن ایمان و عمل صالح است.

بر اساس مبانی شناخت‌شناسی قرآن، ایمان عبارت است از تبدیل معارف حاصل از شناخت به باور درونی و قلبی که در نتیجه آن میان نفس انسان و معرفت حاصل از شناخت، پیوند و رابطه‌ای برقرار می‌شود که نفس را نسبت به آن مؤمن و معتقد می‌کند.

شناخت و ایمان به این مفهوم تعیین‌کننده نوع گرایش‌ها، هنجارها، ارزش‌ها و سرانجام رفتارها و عملکرد انسان خواهد بود. شناخت غلط و انحرافی به ایمان غلط، انحرافی و در نتیجه گرایش‌ها و رفتارهای غلط و انحرافی می‌شود و بالعکس معرفت صحیح و یقینی به ایمان صحیح، یقینی و در نتیجه ارزش‌گذاری‌ها، هنجاریابی‌ها، گرایش‌های درست و اصولی و مطابق با واقع و حقیقت مورد رضای حق و سرانجام رفتار درست و سنجیده و

مورد قبول حق تعالی یا همان «عمل صالح» می انجامد.

با این مقدمه کوتاه، مفروض های اساسی برای شناسایی مؤمن و رفتار مؤمنانه را در کنش های متقابل سیاسی و سیاست ورزی کنش گران فعال در میدان تعامل های سیاسی از دیدگاه قرآن به شرح ذیل یادآور می شویم:

أ. جهت گیری های مؤمن

جهان بینی مؤمن توحیدی است و جهت گیری کلی وی نیز الاهی و در این راه هیچ چیز را در انگیزه های خود، با خدای متعال و انگیزه های الاهی شریک نمی کند:

«خداوند - که پاک و منزّه است - اراده فرموده که پیروی از پیامبرانش و تصدیق کتاب هایش و فروتنی در برابر فرمانش و تسلیم شدن در فرمانبرداری اش، اموری ویژه خود وی باشد و هیچ چیز دیگری با آن آمیخته نشود (نهج البلاغه: خ ۱۹۲).

ب. آرمان ها و هدف های مؤمن

براساس آیه های قرآن، آرمان ها و هدف های مؤمن را به صورت ذیل می توان بر شمرد:

۱. پاسخ به ندای فطرت الاهی خود و هماهنگی با آن در همه شئون زندگی؛
«فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَةَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا» (روم (۳۰)، (۳۰)).
۲. کسب معرفت الله و باور اینکه خداوند بر همه چیز آگاه است؛
«... لِتَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَأَنَّ اللَّهَ قَدْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا» (طلاق (۶۵)، (۱۲)).
۳. عبودیت و بندگی خدا؛
«وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ» (ذاریات (۵۱)، (۵۶)).
۴. بهره مندی از رحمت الاهی؛
«إِلَّا مَنْ رَحِمَ رَبُّكَ وَلِذَلِكَ خَلَقَهُمْ...» (هود (۱۱)، (۱۱۹)).
۵. تزکیه نفس برای کسب صفات جلال و جمال الاهی؛
«مَنْ تَزَكَّىٰ فَإِنَّمَا يَتَزَكَّىٰ لِنَفْسِهِ وَإِلَى اللَّهِ الْمَصِيرُ» (فاطر (۳۵)، (۱۸)).
۶. جانشینی خدا در زمین؛
«إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً» (بقره (۲)، (۳۰)).
۷. رسیدن به امامت متقین و برخوردار شدن از وراثت زمین؛

«وَأَجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا» (فرقان (۲۵)، (۷۴).

۸. رسیدن به آرامش و اطمینان کامل و کسب رضای الاهی؛
«يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَّرْضِيَّةً» (فجر (۸۹)، (۲۷ و ۲۸).
۹. رسیدن به قرب حق و نزدیکی به خدا.
«وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ أُولَئِكَ الْمُقَرَّبُونَ» (واقعه (۵۶)، (۱۰ و ۱۱).

ج. ویژگی‌ها و نشانه‌های کلی مؤمنان

۱. همه اعمال آنان، عمل صالح است (کهف (۱۸)، (۲)؛
۲. حَقگرا هستند و دیگران را نیز به حق توصیه و دعوت می‌کنند (عصر (۱۰۳)، (۳)؛
۳. رضای خدا و رسول خدا را به هر چیز ترجیح می‌دهند (توبه (۹)، (۶۲)؛
۴. حدود و حریم‌های الاهی را در همه حال مراعات می‌کنند (توبه (۹)، (۱۱۲)؛
۵. در برابر اوامر و نواهی خداوند تسلیم و فرمان‌بردار هستند (انفال (۸)، (۱)؛
۶. فقط ولایت و سرپرستی خدا را می‌پذیرند (بقره (۲)، (۲۵۷)؛
۷. تحت زعامت و سرپرستی کافران و طاغوت‌ها قرار نمی‌گیرند (نساء (۴)، (۱۴۱)؛
۸. در درون وحدت و انسجام و در بیرون عزت و اقتدار دارند (فتح (۴۸)، (۲۹)؛
۹. در تعامل‌های اجتماعی و بین‌المللی، مؤمنان را ترجیح می‌دهند (نساء (۴)، (۱۴۴)؛
۱۰. اهل ستمگری و ستم‌پذیری نیستند (بقره (۲)، (۲۷۹)؛
۱۱. خیرخواه و اصلاح‌گردد، دیگران را به کارهای نیک دعوت و از کارهای بد باز می‌دارند (آل عمران (۳)، (۱۴۴)؛
۱۲. دنیا دار اما آخرت‌گرا هستند (بقره (۲)، (۲۰۱)؛
۱۳. عزت نفس دارند (منافقون (۶۳)، (۸)؛
۱۴. بر هواهای نفسانی خود کنترل دارند (احزاب (۳۳)، (۳۵)؛
۱۵. از وسوسه‌های شیاطین (جن و انس) پیروی نمی‌کنند (سبا (۳۴)، (۲۰)؛
۱۶. بر عهد خود صادق و وفا دارند (احزاب (۳۳)، (۲۳)؛

تعریف توسعه از نظر اسلام

با توجه به مفروض‌های یاد شده و دیگر مبانی اندیشه اسلامی، توسعه مورد نظر این مکتب حیات‌بخش را به این صورت می‌توان تعریف کرد:

«توسعه فرایندی است که در آن، در کیفیت و کمیت زندگی فردی و اجتماعی انسان بر مبنای اندیشه ناب اسلامی تحول اساسی پدید می‌آید تا نیازهای اساسی (مادی و معنوی) انسان را در همه ساحت‌های زندگی‌اش تأمین کند» (احمدی، ۱۳۸۷: ۳۶۲).

تغییر و تحول به این معنا

۱. ارادی، هدفمند و برنامه‌ریزی شده و به عنوان یک تکلیف شرعی است؛
۲. در همه ابعاد فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و زیستی، به صورت متعادل، متوازن و پایدار است؛
۳. جامع و فراگیر است رابطه انسان را با خود، با خدا، با دیگر انسان‌ها و نهادهای اجتماعی و با طبیعت و جهان هستی تنظیم می‌کند؛
۴. با هدف استعلاء و تکامل حقیقی بشر و در راه دستیابی به «حیات طیبه» در زندگی دنیایی و برخورداری از نعمت‌های جاودانه و رضوان الاهی در آخرت است؛
۵. مبتنی بر عمل کامل به جامعیت اسلام در ابعاد گوناگون زندگی انسان است؛
۶. منعطف و منطبق با شرایط و مقتضیات عصری و مکانی است؛
۷. تأمین غایت‌ها و مقصدهای مورد نظر دین در ساحت‌های گوناگون زندگی انسان است.

ساختار و مشخصات جامعه توسعه یافته اسلامی

جامعه توسعه یافته اسلامی، جامعه‌ای است که اسلام به طور کامل در سطح جامعه و احاد افراد آن پیاده شده است. بنابراین، جامعه‌ای با ویژگی‌های ذیل:

۱. دین‌باور؛ نظام فلسفی حاکم بر آن بر دین مبتنی است؛
۲. دین‌مدار؛ نظام حقوقی آن بر مبنای آموزه‌های دین است؛
۳. دین‌دآور؛ نظام هنجاری و کارکردی آن مطابق با دین و خواسته‌های آن است؛
۴. دین مطلوب؛ نظام آرمانی، غایت‌ها و مقصدهای آن بر دین مبتنی است.

چنین جامعه‌ای مشخصات کلی ذیل را خواهد داشت:

۱. به لحاظ ساختاری، رشید و رشد یافته است. یعنی، ساختار آن کامل، موزون و استوار است و بر مبنای دانش و حکمت برقرار شده است؛
۲. فضای گفتمانی و فرهنگی حاکم بر آن، فرهنگ و گفتمان توحیدی است؛
۳. زمینه‌ها و بسترهای موجود در آن (همه نظام‌ها و خرده‌نظام‌های آن)، بر پایه عدالت و قسط است و سامانه‌های گوناگون آن در حالت تعادل و تسویه هستند؛
۴. کارکرد عمومی آن، رشددهندگی، پویایی و بالندگی است؛
۵. برای دیگر کشورها، الگو، شاهد و نمونه است؛
۶. در درون خود، از انسجام درونی، همبستگی و هماهنگی برخوردار است؛
۷. در بیرون از خود، عزت، قدرت و اقتدار دارد؛
۸. روابط اعضا و ماهیت رهبری و هدایت امور آن بر پایه ولایت است؛
۹. از استقلال، خودبستگی و خود اتکایی در همه ابعاد برخوردار است؛
۱۰. غایت‌های کلی و جهت‌گیری‌های اصلی آن تأمین آخرت در بستر دنیا است.

انسان‌هایی که در جامعه توسعه یافته به مفهوم اسلامی زندگی می‌کنند، از مشخصات رفتاری و کارکردی کلی ذیل برخوردار خواهند بود:

۱. درباره خود؛ تزکیه؛
۲. درباره خدا؛ معرفت و عبودیت؛
۳. درباره ولی خدا (اولی‌الأمر)؛ معرفت و پیروی؛
۴. درباره دیگر انسان‌ها؛ تعاون و خیرخواهی مسئولانه؛
۵. نسبت به جامعه و امور اجتماعی؛ مشارکت و مسئولیت‌پذیری اصلاح‌گراانه؛
۶. درباره طبیعت و موهبت‌های آن، تسخیر نیایی و استخلافی و بهره‌برداری کفافی و قانعانه (پرهیز از تخریب محیط، اسراف و تبذیر) (ر.ک: احمدی، ۱۳۸۷: ۳۷۳ - ۳۶۲).

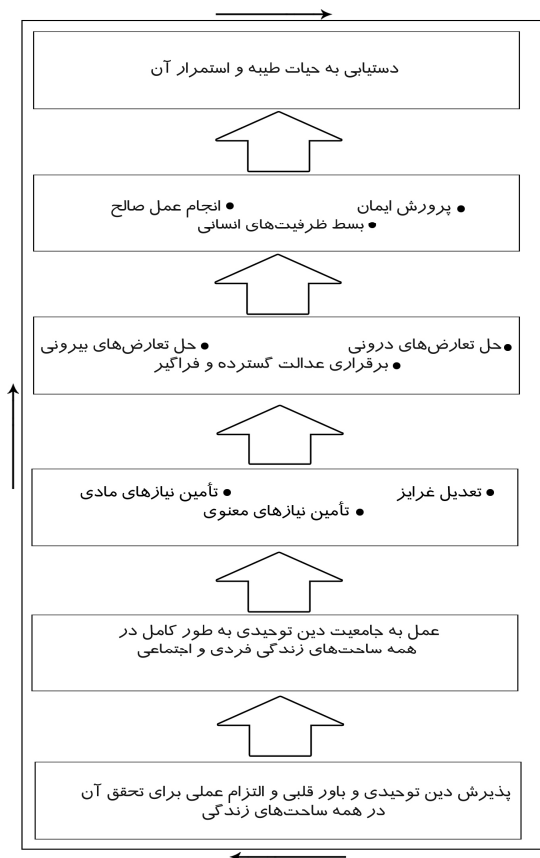
تعریف توسعه انسانی از دیدگاه اسلام

در یک جمع‌بندی کلی از بحث‌هایی که مطرح شد، توسعه انسانی مورد نظر اسلام را می‌توان به صورت ذیل بیان کرد:

«توسعه انسانی عبارت است از فرایند بسط ظرفیت‌های انسانی از راه تعدیل غرایز و تأمین

نیازهای مادی و معنوی انسان با عمل به جامعیت اسلام برای پرورش ایمان و عمل صالح در بستر عدالت فراگیر، به منظور دستیابی به حیات طیبه».

این فرایند، در نمودار شماره (۲) به نمایش گذاشته شده است.



حال با توجه به تعریف توسعه و توسعه‌ انسانی موردنظر اسلام و با توجه به مبانی، اصول و اهداف و رهیافت‌های توسعه‌ انسانی از دیدگاه اسلام نظری به بُعد سیاسی خواهیم داشت.

برای آنکه بتوانیم شاخص‌های اصلی توسعه‌ انسانی را در بُعد سیاسی آن از دیدگاه اسلام استخراج و تبیین کنیم، با تکیه بر مفهوم عمومی کنش و تحلیل کنش سیاسی موردنظر اسلام مبتنی بر این مفهوم عمومی، نظام‌واره اقتصادی طراحی و شاخص‌های مربوط به هر یک از اجزای اصلی این نظام‌واره تبیین می‌شود.

نظریه عمومی کنش

در مطالعه‌های جامعه‌شناختی، نظریه عمومی کنش را بیش از هر کس تالکوت پارسونز (Talcott parsons) به صورت علمی تبیین کرده است. در این نظریه، کنش اجتماعی (از جمله کنش اقتصادی) با ذهنیت کنش‌گر تفسیر می‌شود. یعنی ادراکی که کنش‌گر از خود و محیط خود دارد، افکار و اندیشه‌هایی که در سر دارد، آرمان‌ها و آرزوهایی که در سر می‌پروراند، احساسات و عواطف و انگیزه‌هایی که وی را به کنش وامی‌دارد و واکنش‌هایی را در برابر کنش‌های دیگران از خود نشان می‌دهد؛ مبنای اصلی تفسیر و تبیین کنش اجتماعی است. بر این اساس، هر کنش اجتماعی از چهار عنصر اساسی کنش‌گر، وضعیت، نمادها، قواعد (هنجارها و ارزش‌ها) تشکیل می‌شود و هر نظام کنش نیز چهار کارکرد اصلی است: ۱. سازگاری (Adaptation)؛ ۲. دستیابی به هدف (Goal Attainment)؛ ۳. یکپارچگی و انسجام (Integration)؛ ۴. حفظ الگوهای فرهنگی و نمادین (Latency). این چهار کارکرد به صورت مدل‌واره کارکردی نظام کنش در جدول ذیل نمایش داده شده است:

سازگاری Adaptation	دستیابی به هدف‌ها Goal Attainment
حفظ الگوهای فرهنگی latency	یگانگی و انسجام Integration

چنانکه کنش اقتصادی انسان را با نظریه عمومی کنش متقابل تحلیل کنیم می‌یابیم که فرایندهای اقتصادی جنبه‌های غیراقتصادی هم دارند که دانش کلاسیک اقتصاد از آنها غفلت می‌دارد و موضوع خود را در نوع ویژه‌ای از کنش انسانی یعنی رفتار اقتصادی عقلایی و علمی (با صرف نظر از دیگر جنبه‌های آن) محدود می‌سازد و در تحلیل خود هر رفتار اقتصادی را که با عقلانیت اقتصادی سازگار نبود، از قلمرو بررسی‌های خود خارج می‌سازد (پارسونز، ۱۳۷۶: ۱۳۱ - ۱۳۰).

برخلاف تحلیل‌های کلاسیک اقتصادی، در تحلیل عمومی کنش متقابل باید گفت کنش اقتصادی وجهی از رفتار کنش‌گران اجتماعی است که با انگیزه‌ها و هنجارهای تعریف شده در الگوهای فرهنگی برای تحقق مقاصد و هدف‌های موردنظر نظام فرهنگی و با بسیج منابع به تولید، توزیع و مصرف کالا و خدمات برای رفع نیازهای مادی و معنوی می‌پردازد.

بنابراین، نظام‌واره اقتصاد می‌تواند به عنوان جزئی از نظام‌واره جامعه تلقی شود که با نظام‌واره‌های دیگری مانند نظام‌واره سیاست، فرهنگ و شخصیت (زیستی - روانی) ارتباط نزدیک دارد؛ بر آنها اثر می‌گذارد و از آنها اثر می‌پذیرد.

نظام‌واره کنش اقتصادی در توسعه انسانی

نظام‌واره کنش اقتصادی از اجزای اصلی ذیل تشکیل می‌شود: روابط غالب، منطق درونی (قاعده محوری) هنجار اجرا در کارکردها، انتظار اصلی از کنش‌گران، کارکرد اصلی، رهیافت کلی برای کارکرد بهینه و برون‌داد اصلی.

در تشریح این نظام‌واره باید گفت: چنانکه ملاحظه شد، بخشی از نیازهای اساسی و واقعی انسان مربوط به بُعد جسمی و مادی وی است و این نیازها هر چند به لحاظ رُتبی در مقایسه با نیازهای معنوی در رتبه دوم اهمیت قرار می‌گیرند و دنیا وسیله‌ای برای فراهم‌ساختن زاد و توشه آخرت است. اما، در مقام عمل و در عینیت زندگی، تا شرایط زیستی انسان فراهم نباشد، زمینه برای انجام فعالیت‌های معنوی باقی نمی‌ماند. از این‌رو، باید گفت که از نظر اسلام آنچه مذموم است، انتخاب دنیا و موهبت‌های مادی دنیا - که زاد و توشه زندگی حقیقی است - به‌صورت هدف اصلی و غایت زندگی است، نه دنیاداری، عمران، آبادی دنیا، تجلی موهبت‌ها و نعمت‌های دنیایی در عینیت زندگی انسان.

بنابراین نظام اقتصادی که در سایه توسعه انسانی مورد نظر قرآن شکل می‌گیرد، نظامی است که در آن انسان توسعه‌یافته در فضای حیات طیبه، با «نگاه آیتی» به طبیعت و پدیده‌های طبیعی، آن را کتاب تکوینی خداوند می‌داند. از این‌رو، نهایت کوشش خود را برای شناخت، و تفسیر این آیه‌های الهی به‌کار می‌گیرد، تا افزون بر توسعه معرفت خود درباره نشانه‌ها و آیه‌های خدا زمینه و امکان بهره‌برداری بهینه از آن برای برطرف ساختن نیازهای مادی خود و بهره‌مندی از نعمت‌ها و موهبت‌های موجود در آن و ارتقای رفاه و برخورداری‌های خود و دیگران از این نعمت‌های خدادادی، به اصلاح، عمران و آبادانی آن نیز بکوشد. تا رسالت و مسؤولیت جانشینی خود را در این باره انجام داده باشد؛ حاصل استقرار چنین نظام اقتصادی؛ تسخیر آنچه در آسمان‌ها و زمین است، شناخت، استخراج و بهره‌مندی از همه نعمت‌های ظاهری و باطنی موجود در خوان گسترده طبیعت و آبادانی

دیار و بلاد، حفظ تعادل میان انسان و نیازهای وی با طبیعت و داشته‌های آن و عدم تخریب و آسیب رسانی به محیط زیست طبیعی، برقراری تعادل‌های جنسیتی، قومی، زبانی و منطقه‌ای، فراهم ساختن غنا و استغنا درباره نیازهای مادی و برطرف شدن فقر و مسکنت از یکسو و نبود تکاثر و تفاخر از سوی دیگر، و کاهش شکاف طبقاتی، تولید و مصرف طیبات به قدر کفاف و ضرورت و پرهیز از اسراف و تبذیر، از راه‌های حلال، مشروع و قانونی و سرانجام برقراری عدالت در توزیع ارزش‌های مادی جامعه، کفایت و استقلال در تأمین نیازهای اساسی است.

در این جامعه، از یکسو، نشانی از قارون و قارونیان که نماد طاغوت اقتصادی در یک نظام فرعونی است، وجود ندارد و از سوی دیگر، امکانات مادی که مایهٔ قوام و استواری جامعهٔ توسعه‌یافتهٔ دینی است، در اختیار آنان که عقل معیشت ندارند، قرار نمی‌گیرد. در سایهٔ این بُعد از توسعه انسانی در مفهوم قرآنی آن، براساس سه رکن تصرف نیابی و استخلافی، عدالت در توزیع ارزش‌های مادی و کفایت در تأمین نیازهای اساسی، نظام اقتصادی شکل می‌گیرد که در آن:

روابط غالب: چه در درون خود نظام و چه میان این نظام و دیگر نظام‌های اقتصادی دیگر، از نوع «روابط مبادله‌ای» و دادوستد است که در آن کالا یا خدمات تولیدشده، میان تولیدکننده و مصرف‌کننده مبادله می‌شود؛

منطق درونی: این نظام براساس منطق محوری مباح بودن، بهینه‌سازی و بهره‌وری، پس از محاسبهٔ سود و زیان اداره می‌شود (تولید طیبات، اعم از کالا و خدمات، ضمن پرهیز از تخریب خود، دیگران و طبیعت صورت می‌گیرد و کنش‌گران براساس «برّ و تقوا» همکاری و در انجام کارهای شایسته و امور خیر رقابت می‌کنند)؛

هنجار اجرا: در این نظام، کارایی و اتقان در امور هنجار اصلی است؛

انتظار اصلی از کنش‌گران و فعالان درون نظام: کار، کوشش، خلاقیت، امانت‌داری، وجدان کاری، انضباط و انفاق انتظاری است که باید فعالان و کنش‌گران برآورده سازند؛

کارکرد اصلی: این نظام با کارکرد صحیح و اصولی خود، بسترهای مادی، زیرساخت‌ها و زاد و توشه مورد نیاز برای شکل‌گیری، استمرار و ارتقای حیات معنوی براساس انجام عمل صالح را فراهم می‌سازد؛

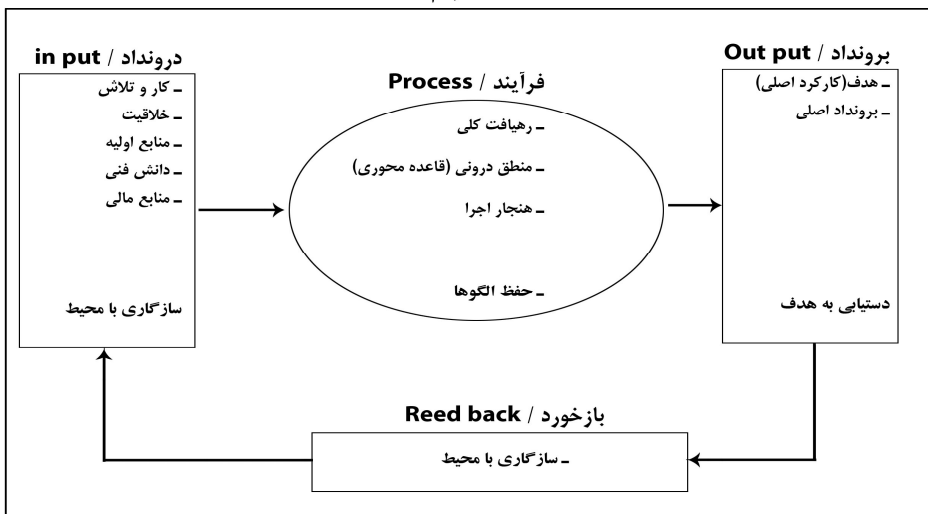
برون داد اصلی: تسخیر نیابی و استخلافی طبیعت، فراوانی و اصلاح نعمت‌های ظاهری و باطنی طبیعی، استعمار و آبادی بلاد، فراهم ساختن غنا و بی‌نیازی مادی (نبود فقر و تکاثر)، معیشت حلال، طیب و استقلال اقتصادی برون‌داد اصلی این نظام است؛

رهیافت اصلی: براساس رهیافت کلی مورد نظر در نظام فرهنگی اسلام که برای تزکیه فردی جهاد اکبر و تزکیه اجتماعی جهاد اصغر را مورد توجه و تأکید قرار می‌دهد تا تعادل درونی و بیرونی مورد نیاز برای ورود در حیات طیبه فراهم شود، چون کارکرد اصلی نظام اقتصادی بیشتر متوجه حل تعارض‌های بیرونی است، رهیافت اصلی همان جهاد اصغر یا جهاد در راه خدا با مال و کنترل امیال و هواهای نفسانی از جهت تکاثر، تفاخر، لهو و لعب، اشرافی‌گری و به‌طور کلی «نگاه قرار گاهی» به دنیا داشتن است تا ایمان و تقوای موردنظر و متناسب با این نظام شکل گیرد و در نتیجه؛ «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ» عینیت پیدا کند. در این صورت، سه اصل اساسی در این نظام نهادینه و مراعات خواهد شد:

- أ. نیابت گسترده و فراگیر در تسخیر و فرآوری ارزش‌ها و موهبت‌های مادی؛
- ب. عدالت گسترده و فراگیر در توزیع ارزش‌ها و موهبت‌های مادی؛
- ج. کفایت در تأمین نیازهای اساسی و مصرف کالا و خدمات.

نمودار شماره (۳): نظام‌واره کنش اقتصادی

حفظ انسجام



در این نظام‌واره، کار، دانش فنی و خلاقیت کنش‌گران، منابع مالی و دیگر منابع به صورت درون‌داد (Input)؛ رهیافت کلی، قاعده‌محوری (منطق درونی) و هنجار اصلی اجرا به عنوان فرآیند (Process)، هدف (کارکردها) به صورت برون‌داد (Output) در نظر گرفته می‌شود. (براساس نظریه عمومی کنش، در فرایند فعالیت، کارکرد حفظ الگوها (Latency)، در برون‌دادها و کارکرد دستیابی به هدف (Goal Atainment)، از راه بازخوردگیری، کارکرد سازگاری با محیط (Adaptation) و با کارکرد بهنجار مجموعه نظام، کارکرد حفظ انسجام (Integration) تأمین می‌شود.

بنابراین در طراحی شاخص‌های بُعد اقتصادی توسعه انسانی، باید اجزایی از این نظام‌واره مورد مطالعه قرار گیرد که کارکرد درست آن را مطابق با شرایط توسعه انسانی مورد نظر اسلام نشان دهد. بدین منظور شاخص‌های اصلی ذیل، برابر توضیح کلی درباره نظام‌واره کنش اقتصادی پیشنهاد می‌شود: شاخص‌های اصلی بُعد اقتصادی توسعه انسانی به شرح ذیل خواهد بود:

کفایت و اطمینان در تأمین نیازهای اساسی (ضروری)، رفاه پایدار، مشارکت فعال (اقتصادی)، معیشت حلال، عدالت و انصاف (در توزیع ارزش‌های مادی و فرصت‌های اقتصادی)، عمران و اصلاح، انفاق.

تبیین شاخص‌های اقتصادی

کفایت و اطمینان

با توجه به تبیینی که از نظام اقتصادی در فرایند توسعه انسانی در نگرش قرآنی آن به عمل آمد، این نظام عهده‌دار فراهم‌ساختن بسترهای مادی و زاد و توشه لازم از موهبت‌های دنیایی برای شروع، استمرار و ارتقای حیات معنوی انسان است. بخشی از زاد و توشه مورد نیاز، تأمین نیازهای اساسی و زیربنایی انسان است که امکان زیست و فعالیت حیاتی وی را به صورت پایدار و همراه با اطمینان و فارغ از هر گونه دغدغه خاطر فراهم می‌سازد. از نظر اسلام تأمین نیازهای آموزشی، ارتباطات و ... که در اصطلاح دینی به آنها

هزینه سال مالی گفته می‌شود، باید مطابق با شئونات و منزلت اجتماعی فرد و با رعایت اصل کفایت تأمین شود. اصل کفایت و بی‌نیازی، بیانگر نبود تکاثر، تفاخر، اسراف و تبذیر از یک سو، و رفع فقر، مسکنت و ناتوانی در تأمین نیازهای ضرور از سوی دیگر است. افزون بر این، هدف اسلام در این‌باره برطرف ساختن دغدغه و دل‌مشغولی مادی و فراهم ساختن فراغت‌بال جهت پرداختن به مسایل اصلی و واقعی زندگی که همان تعالی معنوی و استکمال بُعد فراحوانی و ملکوتی وجود است، می‌باشد تا «الأنفس إذا حازت قوتها إطمئنت» محقق شود.

این شاخص را با شاخص‌های فرعی ذیل می‌توان بررسی و مطالعه کرد:

أ. وضعیت افراد جامعه از جهت برخورداری از (خوراک، پوشاک و مسکن)؛

ب. میزان توانایی افراد در تأمین هزینه‌های آموزشی؛

ج. وضعیت امنیت اقتصادی (قوانین حمایتی، امنیت سرمایه، امنیت شغلی، ثبات قوانین و حق مالکیت)؛

د. سهم هزینه‌های اساسی از درآمد سرانه.

رفاه پایدار

در توسعه انسانی مورد نظر اسلام، بهره‌مندی از نعمت‌های الهی به گونه‌ای است که باید شامل همه نعمت‌های حلال و طیب باشد، در زندگی فرد مؤمن نمود ظاهری و عینی داشته باشد، مایه روشنی چشم، عزت و منزلت اجتماعی وی در جامعه و عزت جامعه اسلامی و ملت مسلمان در برابر دیگر ملت‌ها و کشورها باشد. تا شایسته الگوگیری و الگوبرداری شوند و بتوانند با عمل و رفتار خود، دیگران را به اسلام و معارف نورانی آن دعوت کنند و بالاتر از همه دوام و پایداری بهره‌مندی از این نعمت‌ها در دعا‌های امامان معصوم علیهم‌السلام مورد توجه و درخواست از خدای متعال بوده و آنان از خداوند خواستار بهجت، سرور و نشاط بوده‌اند.

توصیه‌های اکید اولیای دین به انجام فعالیت‌های مفید ورزشی، اختصاص بخشی از اوقات شبانه روز به استراحت و تفریح سالم و سازنده، سیاحت در زمین برای دانش‌اندوزی، افزایش تجربه‌های زندگی و عبرت‌گیری از سرنوشت و وضعیت پیشینیان و دیگر ملت‌ها، از توصیه‌های مؤکد در فرهنگ و معارف اسلام است.

بنابراین، برخورداری از رفاه پایدار شاخص دیگر در زندگی توسعه‌یافته انسانی یا همان

حیات طیبه است. این شاخص را با شاخص‌های فرعی ذیل می‌توان سنجید:

۱. ضریب پوشش و تنوع بیمه‌ای (پدیدساختن اطمینان درباره آتیه)؛
۲. سرانه فضاهای تفریحی؛
۳. سرانه فضاهای ورزشی؛
۴. درصد منابع تخصیصی از بودجه عمومی به امور رفاهی؛
۵. درصد جمعیت بهره‌بردار از فضاهای ورزشی و تفریحی؛
۶. درصد هزینه فعالیت‌های سیاحتی - زیارتی و ورزشی از درآمد خانوار.

مشارکت فعال

در فرهنگ اقتصادی اسلام، کار و کوشش برای تأمین معاش از راه‌های حلال و مشروع مصداقی از «جهاد فی سبیل الله» تلقی شده و در فضای مفهومی حیات طیبه، کار از بالاترین عبادت‌ها و عمل صالح است. از سوی دیگر بیکاری، تبلی، رضایت‌دادن به فقر و فلاکت و سربرار زندگی دیگران بودن به شدت نکوهش شده است.

احساس وظیفه و تکلیف در برابر خود، خانواده، بستگان، همسایگان، جامعه اسلامی و به‌طور کلی عهده‌داری رسالت اصلاح، عمران و آبادانی زمین از دیگر مشخصات انسان توسعه یافته در حیات طیبه است. افزون بر آن، حبس مال (کنز)، نوعی ضایع کردن نعمت و تباه‌ساختن آن و مصداق روشن کفران نعمت است.

از این‌رو، مشارکت فعال در فعالیت‌های اقتصادی و سهیم‌شدن در جریان پویا و فعال تولید ثروت و بالندگی اقتصادی جامعه اسلامی، از نشانه‌های توسعه انسانی در نگرش قرآنی ارزیابی می‌شود. مشارکت فعال اقتصادی را با شاخص‌های فرعی ذیل می‌توان مطالعه کرد:

۱. نرخ اشتغال جمعیت فعال؛
۲. نسبت فعالیت‌های اقتصاد زیرزمینی به فعالیت‌های قانونی؛
۳. نرخ جرایم اقتصادی (سرقت، رشوه و قاچاق) به فعالان بخش اقتصاد؛
۴. نسبت شاغلان در مشاغل کاذب و غیرمولد به شاغلان مولد؛
۵. نسبت سرمایه‌های سرگردان و را کد به سرمایه‌های در گردش و مولد.

معیشت حلال

از جمله آموزه‌ها و احکام اسلامی در بحث‌های اقتصادی، تأکید بر حلال بودن معیشت و پرهیز از خوردن لقمه حرام است. در فرهنگ قرآنی، معیشت حرام به قدری مذموم و ناپسند است که در حدیث قدسی، انجام عمل عبادی همراه با معیشت حرام؛ آب به غربال بردن تلقی شده است یا هر دعایی را به جز دعای فرد حرام‌خوار قابل اجابت دانسته است: همچنین در دعا‌های منسوب به حضرت ولی عصر علیه السلام روی مذمومیت لقمه حرام و شبهه‌ناک تأکید فراوان شده است.

به هر ترتیب، معیشت حلال، معیشتی است که طبق قانون و موازین شرعی صورت گرفته و فرد طی آن هیچ فعل حرام، نامشروع و غیرقانونی مرتکب نشده باشد. شاخص معیشت حلال را با شاخص‌های فرعی ذیل می‌توان مورد مطالعه و اندازه‌گیری قرار داد:

۱. وضعیت جرایم اقتصادی در محاکم قضایی؛
۲. وضعیت مفاسد اقتصادی (رانت‌خواری، پول‌شویی رشوه و ...)
۳. وجود احتکار و گران‌فروشی؛
۴. درصد آلودگی فعالان اقتصادی به گناه ربا؛
۵. میزان پابندی فعالان اقتصادی به پرداخت‌های قانونی و شرعی (خمس، زکات، مالیات و عوارض)؛
۶. کیفیت رعایت استانداردهای اجباری در تولید کالا و خدمات.

عدالت و انصاف

با برقراری عدالت اقتصادی و رعایت موازین تقوا در این باره، رقابت‌های خشن، بی‌مهار و بی‌حد و مرزی که در اقتصاد بازار آزاد مشاهده می‌شود، پدید نمی‌آید و بهره‌برداری حریصانه و سودمحور از طبیعت صورت نمی‌گیرد و شکاف طبقاتی میان دهک‌های گوناگون اجتماعی پدید نمی‌آید. همچنین شکاف طبقاتی در میان جنسیت زن و مرد، اقشار و گروه‌های گوناگون اجتماعی و مناطق گوناگون یک کشور، فاصله میان سطح دسترسی به فرصت‌های برابر برای برخورداری از موهبت‌های طبیعی میان مردمان کشورهای گوناگون در یک نسل و نسل‌های گوناگون در یک کشور از میان می‌رود. شاخص‌های فرعی این شاخص را در ماده‌های ذیل می‌توان در نظر گرفت:

۱. تعادل‌های جنسیتی (نسبت فرصت اشتغال زنان به مردان در مشاغل مناسب آنان)؛

۲. تعادل‌های منطقه‌ای (نسبت رشد اقتصادی و دیگر شاخص‌ها در مناطق گوناگون)؛
۳. تعادل‌های قومیتی (استفاده از فرصت‌های برابر برای همه قومیت‌ها)؛
۴. تعادل‌های طبقاتی (ضریب جینی در میان دهک‌های گوناگون جامعه)؛
۵. وضعیت رقابت‌های اقتصادی (وجود تعاونی‌ها، تشکل‌های همیاری و مردم نهاد و ...)
۶. وضعیت تعادل‌های بین‌نسلی (آسیب‌های مربوط به محیط زیست).

عمران و اصلاح

از پیامدهای مهم توسعه انسانی از نظر قرآن، تصرف استخلافی وی در زمین، استعمار و آبادانی آن و احساس مسئولیت در برابر تمام موجودات روی زمین است. در این شکل از توسعه، اصلاح همه نعمت‌ها، بهسازی وضعیت زیرساخت‌های مربوط به تأمین نیازهای اساسی و نیازهای رفاهی به‌طور مستمر ادامه می‌یابد و همراه توسعه و تعالی انسان، حاصل تصرف‌ها و کارکردهای وی نیز اصلاح و کامل می‌شود: «إِنْ أُرِيدُ إِلَّا الْإِصْلَاحَ مَا اسْتَطَعْتُ» تا رسالت «وَ اسْتَغْمِرْكُمْ فِيهَا» انجام شود و مسئولیت «كُلُّكُمْ رَاعٍ وَ كُلُّكُمْ مَسْئُولٌ» و «أَنْتُمْ مَسْئُولُونَ حَتَّىٰ عَنِ الْبُقَاعِ وَ الْبَهَائِمِ» به خوبی محقق شود.

بنابراین، افزایش ثروت، اصلاح و آبادانی زیرساخت‌ها و بلاد، خلاقیت و نوآوری اقتصادی (دانش، فناوری و فرآورده)، افزایش بهره‌وری از نعمت‌های گوناگون خداوند و بهسازی و بهینه‌سازی این نعمت‌ها از پیامدهای توسعه انسانی در بعد اقتصادی است که رشد اقتصادی و استقلال اقتصادی را به همراه می‌آورد. شاخص عمران و اصلاح را در شاخص‌های فرعی ذیل می‌توان مطالعه کرد:

۱. نسبت بودجه عمرانی به بودجه جاری؛
۲. میزان درآمد سرانه؛
۳. نرخ تورم؛
۴. نرخ بهره‌وری؛
۵. تراز بازرگانی خارجی؛
۶. میزان تولید دانش فنی و فناوری‌های بومی در فعالیت‌های اقتصادی و صنعتی؛
۷. میزان ثبت اختراع؛
۸. ضریب خوداتکایی و کاهش وابستگی‌های اقتصادی.

انفاق در راه خدا و مصرف بخشی از درآمدهای اقتصادی برای رفع نیاز دیگران از ویژگی‌های فرد مؤمن، شرط ایمان و شرط رسیدن به توسعه مورد نظر دین است؛ «وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ»؛ «لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ».

ایثار درباره دیگران، حتی هنگامی که فرد خود هم به آن نیازمند باشد. از نشانه‌های رسوخ ایمان در اعماق قلب مؤمن و بیانگر ارتقای وی به بالاترین مراتب توسعه‌یافتگی در حیات طیبه شناخته می‌شود؛ «وَيُؤْتُونَ عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ» شاخص انفاق را در موردهای ذیل می‌توان مطالعه کرد:

۱. میزان مشارکت مردمی در فعالیت‌های عام‌المنفعه؛

۲. میزان ثبت موقوفات؛

۳. میزان مشارکت‌های مردمی در جبران خسارت‌های ناشی از حادثه‌های طبیعی.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

براساس مبانی و مفروض‌های توسعه انسانی در دیدگاه اسلامی، شاخص‌های مورد توجه در مجامع بین‌المللی برای سنجش میزان توسعه انسانی کافی و مناسب نیست. چرا که کانون محوری در رویکرد رایج توسعه انسانی بسط انتخاب‌های انسان برای دستیابی به زندگی بهتر است در حالی که در رویکرد اسلامی، توسعه انسانی هنگامی اتفاق می‌افتد که ظرفیت‌های انسانی به‌گونه‌ای ارتقا یابد که وی قادر باشد تعارض‌های درونی و بیرونی خود را حل کند و در فضای عدالت گسترده و فراگیر با پرورش ایمان و انجام عمل صالح در راه قرب حق و خداگونگی قدم بردارد و حیات طبیعی وی حیات طیبه شود.

انسان دو گروه نیازهای مادی و معنوی دارد که دو بُعد حیوانی (مادی) و فراحوانی (معنوی) وی را شامل می‌شود و با تأمین درست و مناسب این نیازها کمال طبیعی و معنوی اش محقق می‌شود. به این ترتیب، کمال بُعد مادی انسان به این است که بتواند به‌طور کامل در خدمت بُعد فراحوانی و معنوی اش قرار گیرد؛ کمتر از این میزان، نقص است و ضعف و بیش از حد کفایت نیز مانع تحقق غایت اصلی وجود انسان و کمال بُعد معنوی وی نیز به این است که انسان طبیعی به انسان فطری و حیّ متأله تبدیل شود.

براساس مبانی و مفروض‌های توسعه در نگرش اسلامی، توسعه عبارت است از: «فرایندی که در آن کیفیت و کمیت زندگی فردی و اجتماعی انسان بر مبنای اندیشه ناب اسلامی تحول اساسی می‌یابد تا نیازهای مادی و معنوی وی را در همهٔ ساحت‌های زندگی تأمین کند».

توسعهٔ انسانی موردنظر اسلام نیز عبارت خواهد بود از: «فرایند بسط ظرفیت‌های انسانی از راه تعدیل غرایز و تأمین نیازهای مادی و معنوی جهت حل تعارض‌های درونی و بیرونی وی با عمل بر جامعیت اسلام برای پرورش ایمان و عمل صالح در بستر عدالت فراگیر، به منظور دستیابی به حیات طیبه».

یکی از ابعاد اصلی توسعهٔ انسانی مورد نظر اسلام، بُعد اقتصادی آن است که عهده دار تأمین نیازهای مادی و بسترسازی برای حل تعارض‌های درونی و بیرونی وی برای رسیدن به کمال معنوی است.

برای تبیین شاخص‌های اصلی بُعد اقتصادی توسعهٔ انسانی، براساس نظریهٔ عمومی کنش متقابل و با توجه به مبانی توسعه از نظر اسلام، نظام‌وارهٔ کنش اقتصادی در شرایط تحقق توسعهٔ انسانی و تعیین و تبیین اجزای اصلی این نظام‌واره، شاخص‌های موردنظر به دست می‌آیند. این شاخص‌ها به‌گونه‌ای هستند که مهمترین جنبه‌های بعد اقتصادی توسعهٔ انسانی را مورد توجه و سنجش قرار می‌دهند. این شاخص‌ها عبارتند از:

کفایت و اطمینان (در تأمین نیازهای اساسی)، رفاه پایدار، مشارکت فعال (اقتصادی)، معیشت حلال، عدالت و انصاف (در توزیع ارزش‌های مادی و فرصت‌های اقتصادی)، عمران و اصلاح، انفاق.

منابع و مأخذ

أ. فارسی و عربی

قرآن کریم.

نهج البلاغه.

۱. ابن سینا، ۱۴۰۳ق، *الأشارات والتنبيهات*، ۳، تهران: دفتر نشر کتاب.
۲. احمدی، محمدرضا، ۱۳۸۷ش، *تبیین شاخص‌های توسعه انسانی*، دانشگاه عالی دفاع ملی (داعا)، پایان‌نامه دکترای مدیریت استراتژیک.
۳. آمارتیا، سن، ۱۳۸۱ش، *توسعه به مثابه آزادی*، ترجمه وحید محمودی، تهران: انتشارات دستان.
۴. پارسونز، تالکوت، ۱۳۷۶ش، *بی‌جا: بی‌تا*.
۵. تودارو، مایکل، ۱۳۷۷ش، *توسعه اقتصادی در جهان سوم*، ترجمه غلام‌علی فرجادی، تهران: مؤسسه عالی پژوهش و برنامه‌ریزی.
۶. حرانی، ابن‌شعبه، ۱۴۰۴ق، *تحف العقول عن آل الرسول ﷺ*، قم: انتشارات جامعه مدرسین.
۷. خلیلیان، محمدجمال، ۱۳۸۴ش، *شاخص‌های توسعه اقتصادی از دیدگاه اسلام*، قم: مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی علیه‌السلام.
۸. دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت نظام، ۱۳۸۵ش، *بررسی نظری و روش‌شناسی طراحی شاخص‌ها*، تهران: دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت نظام، کمیسیون نظارت، اول.
۹. روزه، گی، ۱۳۷۶ش، *جامعه‌شناسی تالکوت پارسونز*، ترجمه عبدالحسین نیک‌گهر، تهران: مؤسسه فرهنگی - انتشاراتی تبیان، اول.
۱۰. ساروخانی، باقر، *روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی*، ۳.
۱۱. سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۸۷ش، *اولین گزارش ملی توسعه انسانی ایران*، تهران: سازمان برنامه و بودجه.

۱۲. طباطبایی، سیدمحمدحسین، بی تا، المیزان فی تفسیرالقرآن، ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی، تهران: بی تا.

۱۳. عظیمی، حسینی، ۱۳۷۸ش، مدارهای توسعه نیافتگی در اقتصاد ایران، تهران: بی تا.

۱۴. عیسوی، محمود، بی تا، مقایسه مبانی نظری و اهداف توسعه اقتصادی در اسلام و غرب، بی جا، بی تا.

۱۵. مجلسی، محمدباقر، بی تا، بحارالانوار، ۴۰، تهران: بی تا.

۱۶. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، ۱۳۷۴ش، تفسیر نمونه، قم، بی تا.

۱۷. موسوی خمینی، سیدروح الله، بی تا، چهل حدیث، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام علیه السلام.

۱۸. ———، ۱۳۶۸ش، صحیفه نور، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام.

۱۹. نقی پورفر، ولی الله، ۱۳۸۷ش، پژوهشی پیرامون تدبیر در قرآن، قم: انتشارات اسوه.

۲۰. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۰ش، طرح تحقیق پیمایش ملی ارزش‌ها و

نگرش‌های ایرانیان، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، دفتر طرح‌های ملی، ویرایش اول.

ب. انگلیسی

1. A-N. Agrawal, 1997, *Economic of Development and planning*, Vik As publishing House, PVT- LTD.
2. Sheld. 1968, (cd) *inter vational encyclopedi of sciences*, the macmilan company, free press.